

آموزش زبان‌های خارجی با روش

«ایفای نقش»



مقدمه

موقعیت انسان در جهان کنونی، یادگیری در تمام عمر را برای او ضروری کرده است. افراد در دنیای امروز پیوسته خود را با وسیله یا داده علمی جدیدی رو به رو می‌بینند. به عبارت دیگر، هر روز ابزار جدیدی به جهانیان معرفی می‌شود و در دنیای علم یافته‌های جدیدی کشف می‌شوند. برای انطباق با این دنیای متحول و پیش‌رونده، یادگیری مداوم معنا پیدا کرده است. شاید در چند دهه پیش، گرفتن یک مدرک عالی دانشگاهی نشانه تکامل و پایان یادگیری فرد به نظر می‌رسید، ولی امروزه دیگر نمی‌توان مرزی برای یادگیری‌ها قائل شد. برای مثال، هر کس با هر زمینه شغلی و تحصیلی، کم و بیش خود را نیازمند یادگیری استفاده از رایانه می‌بیند.

طبیعت بشر به سوی یادگیری آسان‌تر و سریع‌تر گرایش دارد و آدمی بر آن است تا راه آسان‌تر انجام کارها را کشف کند. در این راستا، روان‌شناسی همگام با رشته‌های مربوط به آن، به طور علمی، با تحقیق ممتد برای کسب موفقیت بیشتر، در این راه به یافته‌های

جدیدی نائل شده است. یکی از نتایج کاربردی این یافته‌ها، تحول در آموزش نظام‌یافته مدرسه‌ای است. براساس دیدگاه‌های جدید، قالب‌های سنتی تدریس درس‌ها زیر سؤال می‌روند و بازنگری می‌شوند. بعضی از آن‌ها تأیید و بعضی غریب می‌شوند. امروزه به این نگرش که باید موقعیت کلاس درس را هر چه بیشتر به زندگی طبیعی، اجتماعی و طبیعت نزدیک کرد، تمایل روزافزونی نشان داده می‌شود.

کلاس درس دیگر نباید مکانی جدا از زندگی روزمره و محیط واقعی اجتماع باشد. به عبارت دیگر، به این دیدگاه که شرایط تدریس باید خود را به زندگی واقعی نزدیک‌تر کند، بهای بیشتری داده می‌شود. یعنی نباید به کلاس درس به صورت محیطی بسته و تفکیک شده از زندگی روزانه نگرست.

بر این اساس، در روند یادگیری، هر فعالیت کلاسی که به محیط واقعی زندگی نزدیک‌تر باشد، جایگاه مهم‌تری پیدا می‌کند، زیرا یادگیری از این طریق واقعی‌تر، آسان‌تر، سریع‌تر و مفیدتر می‌شود. بر این

مبنا، «ایفای نقش» به عنوان یکی از ابزارها و روش‌های مهم یادگیری مهارت‌های درسی مطرح می‌شود.

روش ایفای نقش چیست؟

بهترین راه برای تعریف «ایفای نقش» بررسی خود این دو واژه است. وقتی می‌گوییم دانش‌آموزان «نقشی» را اجرا می‌کنند، به این معناست که با انتخاب شخصیتی خاص برای خود و در موقعیتی امن و در محیطی هر چه خلاق‌تر و آزادتر به «ایفای» آن نقش می‌پردازند. در چنین موقعیتی، دانش‌آموزان به طور ناخودآگاه واقعیت وجود خود را آشکار می‌سازند و با انجام این کار، دانش خود را از دنیای حقیقی به محک آزمایش می‌گذارند و در نتیجه توانایی تعامل با مردم در آن‌ها رشد می‌کند. در چنین وضعیتی، نه تماشای حضور دارد و نه دخالتی از طرف اولیا و معلمان مشاهده می‌شود. در اینجا از هیچ‌یک از دغدغه‌های ارتباطی و رفتارهای زندگی واقعی خبری نیست. این نوع فعالیت برای دانش‌آموزان دلپذیر است و شخصیت آنان را تهدید نمی‌کند. در قالب فرد دیگری رفتن

طبیعت بشر به سوی یادگیری آسان‌تر و سریع‌تر گرایش دارد

و سرانجام ایفای نقش یکی از حیطه‌های کامل فنون ارتباطی است که روانی گفتار را در زبان‌آموز رشد و تعامل در کلاس درس را ارتقا می‌دهد. همچنین، انگیزه بیشتر را سبب می‌شود. «ایفای نقش» نه تنها زبان‌آموزان را به هم‌آموزی تشویق می‌کند، بلکه معلم و زبان‌آموز را به مشارکت در پذیرفتن مسئولیت در روند یادگیری تشویق می‌کند. ایفای نقش شاید قابل انطباق‌ترین فن در نوع خود است و معلمانی که کاملاً به آن مسلط شده‌اند، می‌توانند احتیاج‌های متنوع نامحدودی را در آموزش زبان خارجی با تمرین‌های مناسب و مؤثر «ایفای نقش» برآورده کنند.

«ایفای نقش» در کلاس من قابل اجرا نیست

معلمانی که «ایفای نقش» اعتراض‌های گوناگونی دارند. آن‌ها معتقدند ایفای نقش فقط یک تمرین است و در کلاس درس هر چه و مرج ایجاد می‌کند. به واقع، شاگردانشان از آن چیزی یاد نمی‌گیرند. آن‌ها می‌گویند شاگردان نمی‌توانند نقشی به عهده بگیرند، چون خیلی خجالتی هستند و نمی‌خواهند شخص دیگری باشند، چون به فکرشان نمی‌رسد چه بگویند.

این ابراز عقیده‌ها و بسیاری دیگر نظیر آن‌ها سه محدودۀ اصلی مشکل را که هر معلمی ممکن است در آغاز استفاده از «ایفای نقش» با آن رو به رو شود، آشکار می‌کنند. اول اینکه برداشته‌های اشتباه متداولی در مورد طبیعت ایفای نقش وجود دارد. دوم اینکه جنبه‌هایی از مدیریت کلاسی وجود دارند که به توجه دقیق نیاز دارند و سوم اینکه بیشتر مربیان با یادگیری به مفهوم وسیع آن آشنا نیستند. اگر معلمی به این باور برسد که ایفای نقش فایده‌های زیادی دارد و شروع به استفاده از آن کند، زبان‌آموزان هم با شوق و سرزندگی او را همراهی خواهند کرد. شاگردان احترام زیادی برای اقتدار معلم قائل‌اند و هر کار منطقی را که از آن‌ها خواسته شود انجام می‌دهند. این در صورتی است که احساس کنند معلم به کار خود ایمان دارد.

به دانش‌آموزانی که ادعا می‌کنند چیزی برای گفتن و تخیلی در باره موضوع

طریق ایفای نقش می‌توان مهارت صحبت کردن در هر موقعیتی را به زبان‌آموزان آموخت.

۲. «ایفای نقش» دانش‌آموزان را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که مجبور می‌شوند از نوعی زبان محاوره صمیمانه و خودمانی استفاده و در آن پیشرفت کنند. این نوع فعالیت، برقراری روابط اجتماعی را آسان می‌کند، ولی غالباً در برنامه درسی تدریس زبان خارجی جایی برای آن در نظر گرفته نشده است. از این نظر، گفته‌های آن‌ها به طور ناخواسته خشک، جدی و عاری از احساس به نظر می‌آیند و نیز آموزش مهارت گفت‌وگو و ایجاد رابطه بر طبق آن رفتارها، از سطوح ابتدایی زبان‌آموزی، از طریق «ایفای نقش» امکان‌پذیر است.

۳. بعضی از مردم زبان انگلیسی را به منظور آمادگی برای هدف‌های خاصی در زندگی خود یاد می‌گیرند. برای مثال، مردمی که قصد مسافرت یا کار در محیطی بین‌المللی را دارند، برایشان مفید است که در محیط دوستانه و امن کلاس درس به یادگیری نوع زبانی که به آن نیاز دارند بپردازند و آن را تجربه کنند. استفاده از «ایفای نقش» برای این زبان‌آموزان ابزاری مفید برای رو به رو شدن با موقعیت‌های واقعی کارشان است.

۴. ایفای نقش به زبان‌آموزان کم‌رو کمک مؤثری خواهد کرد، چون در چنین کلاسی آن‌ها در قالب شخصیت دیگری نمایان می‌شوند. بعضی از دانش‌آموزان کم‌حرف کلاس، به هنگام حرف زدن درباره خودشان و یا شرکت در سایر فعالیت‌های مرتبط با بیان تجربه‌های شخصی خود، دچار مشکل می‌شوند. این نوع زبان‌آموزان، هنگام ایفای نقش، خود را کاملاً آزاد می‌بینند، زیرا حس می‌کنند این نوع فعالیت به شخصیت فردی آن‌ها کاری ندارد.

۵. شاید بهترین دلیل برای استفاده از روش «ایفای نقش»، ماهیت تفریحی آن باشد. وقتی زبان‌آموزان می‌فهمند از آن‌ها چه انتظاری می‌رود، از اینکه اجازه دهند تخیلاتشان کاملاً آزادانه ابراز شود، لذت می‌برند.

و نقش بازی کردن، نه تنها زبان نمی‌رساند، بلکه اعتمادبه‌نفس را نیز افزایش می‌دهد. این توصیف از «ایفای نقش» تعریفی بر مبنای فعالیت درسی است و ربطی به «ایفای نقش» که در حرفه روان‌شناسی برای درمان به کار می‌رود، ندارد. همچنین، مقصود از «ایفای نقش» در اینجا آن کار و فعالیتی نیست که دانش‌آموزان در حضور سایر هم‌کلاس‌ان خود انجام می‌دهند و جنبه نمایشی دارد.

اکنون با در نظر گرفتن کلیه مطالب بالا، جایگاه خاص فن «ایفای نقش» را در یادگیری مهارت‌های زبان خارجی بررسی می‌کنیم.

چرا از ایفای نقش استفاده می‌کنیم؟

شاید داستان آن دانش‌آموز را شنیده باشید که پس از خواندن چند کتاب درسی زبان انگلیسی، وقتی به انگلستان رفت، سعی کرد آنچه را آموخته بود آزمایش کند. در اولین تجربه‌اش، که خرید میوه از یک فروشگاه بود، دریافت، هیچ‌یک از جملاتی که دستور زبان و ساختارشان را به خوبی یاد گرفته بود، به دردتش نمی‌خورد. احساس ناامیدی او هنگامی بیشتر شد که صندوق‌دار با تیسمی دوستانه به او گفت:

Got the 5 p, have you, dear?

این جمله با توجه به آموخته‌های او غلط است، ولی مردم کوچک و بازار به طور عادی آن را به کار می‌برند. در اینجا است که اهمیت ایفای نقش در کلاس زبان خارجی مشخص می‌شود. به عبارت دیگر، این فن طریق مؤثری است که می‌توان با آن به دانش‌آموزان زبان، چنانکه اهل زبان برای تفهیم و تفاهم بین خود به کار می‌برند، آموزش داد. البته بسیاری از فعالیت‌های دو نفری کلاسی، مثل مکالمه‌های معمولی، فرصت این نوع یادگیری را فراهم می‌کنند و به همین اندازه نیز پر تحرک و لذت‌بخش هستند. پس به چه دلیل از ایفای نقش استفاده می‌کنیم؟ در زیر جواب این سؤال را فهرست‌وار می‌آوریم:

۱. از طریق «ایفای نقش» می‌توان گونه‌های بسیار متفاوتی از تجربه را به کلاس درس آورد. وسعت عملکرد و ساختمان جمله‌ها و محدوده‌های واژگانی که می‌توان از این طریق به کلاس معرفی کرد، بیشتر است. از



گرفته‌اند یا می‌توانستند و یا باید به کار گیرند، از نظر ساختار و عملکرد و واژگان و امثال آن تجزیه و تحلیل کرد. نه تنها خود یادگیری باید اتفاق بیفتد، بلکه جریان اتفاق افتادن آن نیز باید نظاره شود. البته به معنی واقعی کلام احتمال دارد این کار غیر ممکن باشد، چون با وجود سالیان متمادی پژوهش، هنوز هیچ‌کس به این سؤال که «افراد چگونه زبان‌ها را فرا می‌گیرند؟» پاسخ قطعی نداده است. اما از نقطه نظر شخصی و عملی این امکان وجود دارد که بتوان حس کرد یادگیری در حال اتفاق افتادن است و آنچه از این طریق یاد گرفته می‌شود معنادار است.

کار زبانی

ایفای نقش به آن دسته از فنون زبانی تعلق دارد که غالباً گفته می‌شود درون‌داد کم ولی برون‌داد بالایی دارند. به این معنی که مرحله ارائه مطلب معلم‌محور درس جدید بسیار کوتاه است و اصلاً شبیه انجام تمرین کنترل شده نیست. بعد از مقدمه‌ای مختصر، دانش‌آموزان وارد مرحله‌ای از فعالیت می‌شوند که اجرای آن مهم‌تر از کاربرد لغات دقیق مربوط به آن است. در این فعالیت، روانی کلام به درستی کلام برتری دارد. واضح است زبانی که شاگردان

هنوز در پرده ابهام است. به طور مسلم، فرایندهای ذهنی گوناگونی، قبل از آنکه زبان جدید بتواند به صورت طبیعی و واقعی به کار گرفته شود، اتفاق می‌افتند. بنابراین، یادگیری مراحل متفاوت دارد: مرحله ارائه مطلب؛ مرحله نیمه‌دانایی؛ مرحله تقویت. از نقطه نظر خود یادگیری و تمرین پس از آن، شاید این صرفاً در حد بیان معنی واژه‌ها باشد، اما این معانی ناقص هستند زیرا به طور شفاف و جامع گستره کامل فرایند پیچیده یادگیری را دربر نمی‌گیرند؛ یعنی آن سازوکاری که غالباً هم «عمل» (doing) و هم «تفکر» (thinking) را به یک اندازه درگیر می‌کند. توانایی صحبت به زبان، یک جنبه از «عمل» زبان‌آموزی است.

البته طرز تفکر معلم و شاگرد نسبت به یادگیری از جمله مسائل مهمی هستند که باید در نظر گرفته شوند. برای معلم لازم است که یقین حاصل کند فعالیت‌هایی را که به سلیقه خود ارائه می‌دهد، ارزشمندند. وی همچنین باید بتواند این ارزش‌ها را به شاگردانش نشان دهد، به طوری که این فعالیت‌ها برایشان معنادار باشند. ایفای نقش هر قدر کم بار و بدون ساختار گرامری باشد، می‌توان آن را در هر نقطه‌ای متوقف کرد تا بتوان زبانی را که شاگردان به کار

ندارند، می‌توان به سهولت نشان داد چگونه هر بار که فقط می‌خواهند به اینکه شخص دیگری چه می‌کند، پی ببرند، از تخیلات خود استفاده کنند. حتی افراد منطقی و معقول مانند دانشمندان یا اقتصاددانان نیز از تخیل استفاده می‌کنند. معلم باید راه‌هایی برای شکوفایی این قابلیت‌های پنهانی پیدا کند. اگر معلمی خودش هنوز به این باور نرسیده باشد که ایفای نقش فنی ارزشمند و هیجان‌انگیز است، بهتر است از آن استفاده نکند، چون مطمئناً این فعالیت، همان‌گونه که او انتظارش را دارد، با شکست روبه‌رو خواهد شد.

آیا ایفای نقش برای یادگیری زبان است، یا تمرین زبان؟

اگر کسی این سؤال را می‌پرسد، احتمال دارد نظرش درباره روند یادگیری زبان چنین باشد: اول باید مطالب جدید را به شاگردان ارائه داد. سپس با شاگردان آن‌ها را تمرین کرد. حال باید انتظار داشت شاگردان بتوانند آن مطالب را به کار برند. ولی آنچه به واقع اتفاق می‌افتد، این است که شاگردان به ندرت به آن رشته از موارد جدید در پایان آن جلسه درس احاطه کامل پیدا می‌کنند. اینکه یادگیری به طور دقیق چگونه و چه موقع اتفاق می‌افتد،

ایفای نقش دانش آموزان را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که مجبور می‌شوند از نوعی زبان محاوره صمیمانه استفاده کنند و پیشرفت داشته باشند

نحوه اجرا چگونه است؟

منظور این مقاله ایفای نقش‌هایی نیست که ابتدا تمرین می‌شوند و بعد حفظ می‌شوند و سپس برای سایر شاگردان به صورت نمایش اجرا می‌شوند! این کار در واقع اجرای نمایشنامه به حساب می‌آید. باید از ابتدا برای دانش‌آموزان روشن شود که آن‌ها فقط قطعه‌ای را بازی می‌کنند، زیرا وقتی از بعضی دانش‌آموزان خواسته می‌شود نقشی اجرا کنند، احساس کم‌رویی و خجالت دارند. به علاوه، آن‌ها غالباً بر این باورند که به کلی توان نمایشی ندارند. در این ایفای نقش، نه آن‌ها بازیگرند و نه تماشاچی وجود دارد. حتی معلم هم باید به آخر کلاس برود تا دانش‌آموزان تصور نکنند او در مقابل آن‌ها ایستاده و آماده است در هر اشتباه مداخله و آن‌را تصحیح کند. حضور معلم در جلوی کلاس درس ممکن است به عنوان عاملی باز دارنده تلقی شود.

در طول دهه گذشته، یکی از رویکردهای انسانی در آموزش و پرورش این است که یادگیری مؤثرتر در جوی اتفاق می‌افتد که فشار روانی نباشد. بنابراین، لزومی ندارد ترس صحنه را به کلاس درس بیاوریم. دانش‌آموزان باید این فعالیت را برای خودشان و سایر دانش‌آموزانی که همانند آن‌ها نقشی به عهده دارند، انجام دهند. البته ایفای نقش هر گروهی می‌تواند برای سایر دانش‌آموزان کلاس نیز اجرا یا از آن فیلم تهیه شود، اما در این مورد نباید اجباری در کار باشد. فقط هنگامی می‌توان به چنین اقدامی دست زد که دانش‌آموزان به ایفای نقش کاملاً عادت کرده باشند یا با دانش‌آموزان بسیار برون‌گرایی روبه‌رو باشیم.

* پی‌نوشت

۱. ۵ پنی داری، عزیز؟ (پنی پول انگلیس و از پوند کمتر است).
۲. فرد، ببخش مزاحمت شدم. به کم نمک داری؟
۳. سلام آقای براون، امیدوارم مزاحم نشده باشم، نمک تمام شده. می‌خواهم بدانم امکان دارد مقداری به من قرض بدهید؟
۴. ببخشید، از اینکه باعث زحمت شما شدم. خیلی عذرخواهی می‌کنم. متأسفانه نمک من تمام شده و می‌خواستم بدانم برایتان دردسر بیش از اندازه‌ای نیست مقداری به من قرض بدهید؟

بنشینید» که می‌شود: Sit down, please. و اگر رابطه خیلی محترمانه و رسمی است، می‌گوید: «لطفاً بفرمایید بنشینید» که در این صورت می‌گوید: Take a seat, please. هدف نهایی معلم این است که زبان‌آموزان هنگام حرف‌زدن هم روان و هم صحیح صحبت کنند. صحیح صحبت کردن تنها به این معنی نیست که شخص از ساختارهای گرامری و واژگان صحیح استفاده کند، بلکه علاوه بر آن باید بتواند کلام صحیح را در جای صحیح و در زمان صحیح بگوید. در اینجا مثالی از تغییرات در لحن کلام، که به تسلط پیدا کردن شاگردان به موضوع کمک می‌کند، ارائه می‌شود. این مثال که در مورد قرض گرفتن چیزی از همسایه است، چارچوب خوبی فراهم می‌کند تا نشان دهد چگونه گفته‌ها بر طبق معیارهای لحن کلام یا به عبارت دیگر بر اساس رسمی یا غیر رسمی بودن رابطه با همسایه، تغییر می‌کنند. در مورد اول، بیل دوست صمیمی فرد است. بیل می‌گوید:

Sorry to barge on you Fred. Got any salt?^۱
در مورد دوم، خانم جونز و آقای براون دو همسایه‌ای هستند که در حد سلام و علیک یکدیگر را می‌شناسند. خانم جونز می‌گوید:
Hello Mr. Brown. I hope I am not disturbing you, but I've run out of salt.
I wonder if you could lend me some?^۲
در مورد سوم یک همسایه که به خانه جدیدی نقل مکان کرده است، به همسایه‌ای که حتی اسمش را هم نمی‌داند، چنین می‌گوید:

Excuse me, I'm terribly sorry to bother you, but I'm afraid I've run out of salt, and was wondering if it would be too much trouble for you to lend me some?^۳

این کار کمک بزرگی به شاگردان می‌کند که به محض اینکه بعضی از فرم‌های بنیادی زبان را فرا گرفتند، آن‌ها را از این گزینه‌های زبانی مطلع کنند تا بتوانند سطح ارتباط رضایت‌بخش خود را با اهل زبان ارتقا دهند. به عنوان یک قاعده کلی، هر چه رابطه رسمی‌تر باشد، جمله طولانی‌تر می‌شود و ساختار جمله غیر شخصی‌تر. در ضمن، گاهی انتخاب واژگان رسمی‌تر نیز ضروری می‌شود.

به کار می‌برند، یک الهام ذهنی آنی نیست، بلکه باید از پیش به آن‌ها یاد داده شده باشد.

در واقع به دو طریق می‌توان به کار زبان در ایفای نقش نگاه کرد: یا شاگردان با دانسته‌های زبانی خود این کار را مدیریت می‌کنند و به پیش می‌برند، یا این فرصتی برای شاگردان است تا ساختارهای گرامری و کارکردهایی را که قبلاً در مراحل اولیه درس یا ترم تحصیلی به آن‌ها ارائه شده بود، در موقعیتی آزاد و کنترل نشده استفاده و تمرین کنند.

در حالت اول، هنگامی که شاگردان می‌خواهند به بهترین وجه ممکن از عهده این فعالیت برآیند، باید هدف معلم این باشد که آن‌ها را به طور واضح از لزوم یادگیری بعضی ساختارهای گرامری آگاه سازد تا شاگردان متوجه شوند این ساختارها با نیاز آن‌ها ارتباط تنگاتنگی دارند.

در حالت دوم، ایفای نقش مرحله فعالی از یادگیری است و برای شاگردان فرصتی فراهم می‌کند که از زبانی که قبلاً به صورت رسمی آموخته بودند، استفاده شخصی کنند. ایفای نقش با این منظور می‌تواند دقیقاً از آغاز کلاس‌های مبتدی استفاده شود.

هر موردی از کار زبانی مانند ساختار گرامری، واژگان، کارکردها، الگوهای آهنگ کلام و امثال آن در ایفای نقش قابلیت اجرا دارد.

لحن کلام

لحن کلام نیز یکی از کارهای زبانی است. برای آشنا کردن شاگردان با این کار زبانی، استفاده از ایفای نقش بسیار مناسب است. در بیشتر کتاب‌های درسی زبان، از پرداختن به آموزش لحن کلام غفلت شده است. مقصود از لحن کلام این است که شاگرد بتواند با توجه به موقعیت اجتماعی مخاطب خود، کلام مناسب را انتخاب کند و به کار گیرد. برای مثال، وقتی می‌خواهد با حالت خودمانی به کسی بگوید «بنشین»، می‌گوید: Sit down. اگر رابطه محترمانه باشد، با لحن مؤدبانه می‌گوید: «لطفاً